



شرح زمین

موسی خورناتسی (موسی خورنی)

ترجمه، مقدمه، حواشی و پیوست‌ها
دکتر ادبیک باغداساریان (ا. کرمانیک)



تاریخ ارمنیان

تاریخ ارمنیان

موسی خورناتسی (موسی خورنی)

تاریخ‌نگار ارمنی سده پنجم میلادی

ترجمه، مقدمه، حواشی، پیوست‌ها

دکتر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک)

- فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- سرشناسه: موسی خورنی ۴۹۲-۴۰۷؟ Moses of Khoren
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ارمنیان موسی خورناتسی
(موسی خورنی)
ترجمه، مقدمه، حواشی، پیوست‌ها: ادیک باغداساریان ا. گرمانیک
مشخصات نشر: تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۴۳۷ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۰۷-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: چاپ قبلی: ادیک باغداساریان، ۱۳۸۰.
یادداشت: کتابنامه یادداشت: نمایه
موضوع: آرامنه، تاریخ Armenians, History
موضوع: ارمنستان، تاریخ Armenia (Republic), History
شناسه افزوده: باغداساریان، ادیک، ۱۳۳۶، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ت ۲/م ۸/DS۱۷۵
رده‌بندی دیویی: ۹۳۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۰۳۵۷



نشر تاریخ

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)
تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

تاریخ ارمنیان

موسی خورناتسی (موسی خورنی)
ترجمه، مقدمه، حواشی، پیوست‌ها: دکتر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک)

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی
چاپ و صحافی: کتاب شمس
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپ اول: ۱۳۹۷
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۰۷-۸
ISBN: 978-600-8687-07-8
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

۷	آغاز سخن
۱۵	در باره موسی خورنی
۱۸	زندگی نامه موسی خورنی
۲۴	علل تعقیب و آزار
۲۹	آثار
۳۲	تاریخ ارمنیان
۳۵	مسئله کتاب چهارم
۳۷	منابع تاریخ
۴۱	منبع ماراباس
۴۴	افسانه های مردمی ارمنی
۴۵	ویژگی های تاریخ خورنی و اهمیت آن
۶۵	سبک و زبان تاریخ خورنی
۶۷	اهمیت تاریخ خورنی
۷۰	بررسی هایی در باره خورنی و تاریخ او
۷۰	زمان نگارش تاریخ خورنی
۷۸	اعتبار تاریخ خورنی
۸۰	بررسی منابع تاریخ خورنی
۸۳	متون خطی، ویرایش ها و ترجمه های تاریخ خورنی
۸۷	متن تاریخ ارمنیان
۸۷	کتاب اول

۱۵۳	از افسانه‌های پارسی
۱۵۷	کتاب دوم
۲۹۱	کتاب سوم

۳۷۷	پیوست‌ها
۳۷۷	پیوست شماره ۱: یادداشت‌های استپان مالخاسیان (همراه با اصلاحات ا. گرمانیک)
۴۰۲	پیوست شماره ۲: نقشه ارمنستان بر اساس «جهان‌نمای» آنانیا شیراکاتسی (ا. گرمانیک)
۴۰۳	پیوست شماره ۳: نقشه ارمنستان در زمان ماشتس و خورنی (ا. گرمانیک)
۴۰۴	پیوست شماره ۴: نام خاندان‌های پادشاهی و حکام ارمنستان (ا. گرمانیک)
۴۰۸	پیوست شماره ۵: رهبران مسیحیت در ارمنستان و کلیسای ارمنی (ا. گرمانیک)
۴۰۹	پیوست شماره ۶: گاهنامه ارمن (ا. گرمانیک)
۴۱۰	پیوست شماره ۷: سپاهنامه ارمن (ا. گرمانیک)
۴۱۲	پیوست شماره ۸: راهنمای آوانگاری ارمنی (ا. گرمانیک)

۴۱۳	فهرست منابع مترجم
۴۱۷	فهرست اعلام

آغاز سخن

تاریخ‌نگاری ارمنی دارای پیشینه‌ای بس طولانی است. پس از پیدایی حروف ارمنی در اوایل سده پنجم میلادی به دست مسروپ ماشتوتس قدیس^۱ که نیاز مبرم شرایط سیاسی-اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ملت ارمنی در آن دوران بود، ده‌ها اثر مذهبی و تاریخی ترجمه و نگارش یافتند و در همین سده بود که تاریخ‌نگاری مدون ارمنی پایه‌گذاری شد. نخستین اثر توسط کوریون^۲ شاگرد ماشتوتس به نام «زندگینامه ماشتوتس»^۳ نگارش یافت که در آن نگارنده به بررسی زندگانی ماشتوتس و چگونگی پیدایی الفبای ارمنی و جریان‌های تاریخی مربوط در ارمنستان می‌پردازد. آنگاه «تاریخ ارمنیان» اثر آگاتانگوس (سده پنجم) نگاشته شد که نخستین کتاب با همین عنوان در ادب ارمنی به‌شمار می‌رود. سپس تاریخ‌نگاران و اندیشمندان دیگر چون پاستوس بوزاند^۴، یزینیک کغباتسی^۵ و یغیشه^۶ در سده یاد شده آثار خود را پدید آوردند.^۷

موسی خورنی^۸ که در حدود سال ۴۱۰ چشم به جهان گشود و در سنین ۲۵-۲۰ سالگی نزد مسروپ ماشتوتس و جاثلیق ساهاک پارتو^۹ شاگردی کرد. پس از کسب تحصیلات در اسکندریه و ادسا به سال ۴۴۰ م. به ارمنستان بازگشت و به درخواست ساهاک باگراتونی حاکم و مرزبان ارمنستان پیش از سال ۴۸۲ «تاریخ ارمنیان» خود را به پایان برد.

1. mesrop'-masht'ots.

2. k'oriun.

3. vark-masht'otsi.

4. pavst'os buzand.

5. yeznik' k'oghatsi.

6. yeghishe.

۷. برای راهنمایی درباره آوانگاری به پیوست ۸ نگاه کنید.

۸. به ارمنی movses khorenatsi.

9. sahak'p'artev.

یکی از وجوه تمایز اثر خورنی از آثار تاریخ‌نگاران پیش از او، نخست این است که وی تاریخ ارمنی را از سپیده دم تاریخ (از دیدگاه او) تا عصر خود ارائه داده است. دیگر آنکه او توجه خاصی به اهمیت وقایع‌نگاری معطوف داشت. سوم آنکه او از منابع بسیار غنی و اکثر آثار تاریخی موجود در زمان خود به زبان‌های مختلف سود برده است. در واقع با آثار خود تاریخ‌نگاری اصولی و علمی را در ادب ارمن پایه‌گذاری نمود و به حق «پدر تاریخ‌نگاری» ارمنی لقب یافت.

تاریخ خورنی نه تنها برای ارمنستان که برای سرزمین‌های همسایه و از همه مهم‌تر برای ایران نیز دارای اهمیت درجه اول است. نگارنده سطور با توجه به اهمیت این اثر به ویژه برای تاریخ ایران از حدود بیست سال پیش با تشویق جناب آقای فریدون جنبه سرپرست بنیاد فرهنگی نیشابور و دوستان پژوهشگر دیگر ترجمه کتاب حاضر را آغاز نمود. لیکن پس از اتمام ترجمه تا امروز امکان چاپ آن فراهم نگردید. در همین فاصله زمانی نگارنده با استفاده از فرصت موجود، ترجمه را مورد بازنگری قرار داده در بسیاری از موارد یادداشت‌هایی در انتهای صفحات اضافه نمود و متن به صورت امروزی آماده چاپ شد.

درباره ترجمه‌های فارسی تاریخ خورنی یادآوری چند نکته بایسته است. تا آنجا که نگارنده سطور آگاهی دارد، نخستین بار به سال ۱۳۳۱ خلاصه‌ای از برخی بخش‌های تاریخ خورنی با ترجمه آقای آبراهام هواساپیان و به اهتمام آقای ابراهیم دهگان توسط کتابفروشی داودی اراک در ۴۰ صفحه به چاپ رسید. این ترجمه اگرچه به عنوان نخستین گام شایسته تقدیر است، اما متأسفانه چه از نظر ترجمه و چه از نظر امانت‌داری و به ویژه از نظر ترجمه منابع تاریخی که با دقت خاصی از نظر زبان‌شناسی، تاریخ‌شناسی و جز اینها باید انجام گردد، دارای نواقص فراوان بود و از دیگر سو تنها خلاصه‌ای از چند بخش را شامل می‌گردید و نه تمام کتاب را.

پس از اینکه نگارنده سطور ترجمه تاریخ خورنی را به پایان برد، در سال ۱۳۶۴ آگاهی یافت که همین اثر توسط پروفیسور گنورگی نعلبندیان،

استاد دانشگاه دولتی ایروان ترجمه و چاپ شده است.^{۱۰} و پس از اندک زمانی این کتاب را نیز دریافت نمودم. در اولین نگاه از ادامه بازنگری به ترجمه خود صرفنظر کردم و با ملاحظه ترجمه نعلبندیان چنین اندیشیدم که ترجمه فارسی خورنی نیز در شمار ترجمه‌های دیگر زبان‌های خورنی قرار گرفته، کار تمام شده قلمداد می‌گردید. لیکن پس از مطالعه دقیق آن و به ویژه با دریافت نظرات نویسندگان فارسی‌زبان دال بر عدم کفایت ترجمه یاد شده از نظر علمی و زبان فارسی، ارائه ترجمه‌ای که نواقص کار پروفیسور نعلبندیان را جبران کند، اجتناب‌ناپذیر گردید، به همین دلیل نگارنده نیز با اعتقاد بر همین نظرات بازنگری ترجمه خود را ادامه و آن را به پایان رساند. به‌ویژه در فاصله زمانی که کتاب جهت اخذ مجوز به وزارت ارشاد ارائه شده بود (از ۱۳۷۴ تاکنون) متن را مورد بازنگری نمودیم.

اشکالات ترجمه پروفیسور نعلبندیان آنقدر متنوع و متعدد است که بررسی آنها از حوصله این نامه بیرون است. می‌توان نقد و بررسی آن را طی مقاله‌ای مفصل در آینده به جامعه علم و تحقیق تقدیم نمود. اما می‌توان این اشکالات را در چند گروه دسته‌بندی کرد.

بنا به عقیده اکثر پژوهشگرانی که ترجمه نعلبندیان را مطالعه کرده‌اند، زبان ترجمه بسیار مهجور و معرب و ثقیل بوده با روند تحولی زبان فارسی در روزگار ما هماهنگی ندارد. دوم، آنکه مترجم یک منبع تاریخی را در متن اصلی هنگام ترجمه گاهی تفسیر نیز نموده است، به‌جای آنکه نظرات خود را در زیرنویس ارائه دهد. به نظر نگارنده این سطور منبع تاریخی حتی‌الامکان باید همانند اصل اثر و با رعایت دقیق امانت‌داری ترجمه گردد و تفسیر جملات و واژه‌ها و رویدادهایی را که گاهی مبهم هستند باید به جامعه پژوهش و تحقیق واگذار کرد و حداقل نظر خود را جدا از متن اصلی افزون نمود. سوم، آنکه اسامی افراد دقیقاً به شکل ارمنی ارائه شده‌اند که برای فارسی‌زبانان نامأنوس می‌باشد. به نظر نگارنده سطور باید هر دو صورت قید می‌شد. چهارم، آنکه در بسیاری

۱۰. موسس خورناتسی (موسی خورنی)، تاریخ ارمنستان، ترجمه و مقدمه و تحاشی گئورگی نعلبندیان، ایروان، ۱۹۸۴.

موارد واژه‌های نادرست فارسی در برابر واژه‌های ارمنی استفاده کرده‌اند. (از جمله انجیل را به جای کتاب مقدس، اعتزالیون را به جای بدعت‌گذار (صفحه ۳۱)).

پنجم، برخی نام‌ها اشتباه نوشته شده‌اند (ص ۳۷، به جای مرود ایشان مروگ نوشته‌اند). ششم، نام‌های جغرافیایی را به شکل ارمنی آنها ادا کرده‌اند بدون اینکه شکل فارسی را نیز در زیرنویس و یا در متن یادآور شوند (بجای شهر افسوس شکل ارمنی آن پیه سس را قید می‌کنند، خواننده فارسی‌زبان از کجا باید به مفهوم اصلی پی ببرد؟)

هفتم، برخی از اسامی را به شکل نادرست ترجمه کرده‌اند که اثبات آنها جای بحث و مذاقه و بررسی دارد (ص ۴۳، به جای پاروخ parokh، فرخ آورده‌اند). هشتم، معرفی نام‌های اقوام نادرست ترجمه شده‌اند، خورنی نام پارسی را به کار می‌برد اما مترجم آن را ایرانی ترجمه می‌کند. در هیچکدام از آثار تاریخی قدیم ارمنی واژه ایران به کار نرفته است، بلکه پارس یا پارسکاستان (کشور پارس) به کار رفته است (ص ۶۲). نهم، اطلاعات نادرست زمانی در ترجمه پروفیسور نعلبندیان وجود دارد. برای نمونه به جای ۳۱ سال ۳۰ سال آورده‌اند (ص ۸۷) و یا به جای یازده سال، ۱۵ سال قید کرده‌اند (ص ۸۸) دهم، برخی جملات و عبارات در ترجمه نعلبندیان حذف شده است (ص ۶۶، سه سطر در پایان شماره ۲۴ حذف شده است). یا به تاریخ نیازنامه (pituits hyusman patmutiun) اشاره نکرده آن قسمت را حذف کرده‌اند (ص ۵۷، پیش از پاراگراف آخر ۹). یازدهم، گاهی واژه‌ها و عباراتی که در متن اصلی وجود ندارد، اضافه کرده‌اند (ص ۴۲، رودخانه‌ای خوش آب و پر صدا... در ترجمه شعرها به سندیت متن لطمه زده‌اند، ص ۷۵). دوازدهم، برخی از کلمات فارسی از جمله کلمات ربط را اشتباه ترجمه کرده‌اند که در جان کلام اثر می‌گذارد (ص ۴۹، به جای ونیز، همچنین، کلمه حتی آمده است، ص ۵۵ به جای فرزندان، کلمه پسران آمده است).

در پایان، باید افزود که پروفیسور نعلبندیان اکثر زیرنویس‌هایی که در پایان کتابشان آورده‌اند، به خودشان متعلق و منتسب دانسته‌اند، در حالیکه اکثریت مطلق آنها تلاش و کوشش استاد فقید پروفیسور استپان

مالخاسیان می‌باشد که بهترین ترجمه آشخارابار یا زبان ارمنی امروزی را از تاریخ خورنی ارائه داده‌اند و توضیحات بسیار محققانه به این ترجمه افزوده‌اند.

با توجه به مشکلات موجود در ترجمه‌های پیشین بود که نگارنده سطور با تشویق نویسندگان و دوستان پژوهشگر بر آن شد ترجمه خود را بازنگاری و تکمیل و آماده چاپ نماید. در ترجمه کنونی سعی شده است:

۱. زبان فارسی ادبی امروزی در حد امکان مورد استفاده قرار گیرد و از کلمات و واژه‌های معرب و منسوخ اجتناب گردد؛
۲. تلاش شده است اثر خورنی را همانگونه که هست در محدوده مسائل مطرح در فن ترجمه ارائه گردد؛
۳. با توجه به اینکه استاد استپان مالخاسیان مترجم آشخارابار (زبان امروزی ارمنی) تاریخ خورنی مقدمه‌ای بسیار محققانه درباره زندگی و آثار خورنی و اطلاعات جامع درباره موضوعات مربوط به آنها نگاشته بودند، نگارنده نیز آنها را ترجمه نموده با برخی اضافات و موارد تکمیلی در ابتدای ترجمه حاضر افزود و توضیحات مالخاسیان در مورد قسمت‌های مختلف کتاب را در بخش پایانی کتاب در پیوست شماره یک به علاوه برخی اصلاحات و اضافات افزون نمود، این گونه توضیحات در متن به صورت اعدادی داخل آکولاد مانند {۱} ارائه شده‌اند. توضیحات نگارنده سطور (ترجمان کتاب فعلی) در زیرنویس هر صفحه آمده و در انتهای آنها نام ترجمان به صورت (۱. گرمانیک) یا (ا.گ.) یاد شده است؛
۴. کلیه نام‌ها اعم از نام افراد، جغرافیایی، اقوام و غیره به شکل فارسی در ترجمه آمده‌اند، لیکن شکل ارمنی آنها نیز در زیرنویس با آوانگاری ارمنی قید شده است و در برخی موارد شکل‌های زبان‌های لاتین، یونانی، آشوری، انگلیسی و فرانسه نیز برای تشریح بیشتر موضوع اضافه شده‌اند؛
۵. مرجع اصلی ترجمه متن گرابار یا زبان کلاسیک و باستانی ارمنی است، لیکن حین ترجمه از ترجمه‌های آشخارابار^{۱۱}، ترجمه

۱۱. تاریخ ارمنیان، موسی خورنی (به زبان ارمنی آشخارابار) ترجمه آشخارابار به وسیله آکادمیسین استپان مالخاسیان، ایروان، ۱۹۶۸ و چاپ جدید ایروان، ۱۹۹۰.

انگلیسی تامسون^{۱۲} ترجمه نعلبندیان در بازنگری اخیر استفاده شده است. در کنار آنها از منابع متعدد بهره گرفته شده است که فهرست آنها در پیوست شماره ۵ آمده است؛ ۶. سعی شده است هیچ مطلبی از متن اصلی نه کم شود و نه چیزی به آن اضافه گردد و دقیقاً نوشته خورنی ارائه گردد؛ ۷. از نظر اینکه کتاب حاضر می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران تاریخ، زبان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، جغرافیا، زمین‌شناسی، گاهشماری، موسیقی، هنر و بسیاری از رشته‌های دیگر قرار گیرد، تلاش شده است حین ترجمه کلیه ظرافت‌های مهم از این نظر مورد توجه قرار گیرد. ترجمان برای اینکه خوانندگان گرامی به آگاهی‌های بیشتری درباره تاریخ ارمنستان تا زمان خورنی در دست داشته باشند، پیوست‌های زیر را به ترجمه کتاب افزوده است:

پیوست شماره یک: توضیحات آکادمیسین استپان مالخاسیان.
 پیوست شماره دو: نقشه ارمنستان بر اساس «جهان‌نمای» شیراکاتسی.
 پیوست شماره سه: نقشه ارمنستان در زمان ماشتوتس و خورنی.
 پیوست شماره چهار: فهرست سلسله‌های پادشاهی ارمنستان.
 پیوست شماره پنج: رهبران کلیسای ارمنی از ابتدا تا زمان خورنی.
 پیوست شماره شش: گاهنامه ارمن.
 پیوست شماره هفت: سپاهنامه ارمن.
 پیوست شماره هشت: راهنمای آوانگاری ارمنی.
 همانگونه که پیشتر یادآور شدیم، در متن اصلی ترجمه، ترجمان توضیحات خود را در زیرنویس افزوده است. بنابراین زیرنویس‌ها کلاً به مترجم تعلق دارند.

این موضوع نیز حائز اهمیت است که خورنی گاهی عبارات و جملات و موضوعاتی را عنوان می‌کند که تفسیر و درک دقیق آنها دشوار به نظر می‌رسد. ترجمان سعی کرده است این گونه مطالب را عیناً منتقل کند و اگر تفسیری به نظر رسیده باشد آن را در زیرنویس آورده و هیچ دخل و تصرفی در متن اصلی صورت نداده است.

12. Moses Khorenatsi, History of the Armenians, transl. and commentary on the literary sources by Robert W. Thomson, Harvard University press, 1980.

در پایان جا دارد از کلیه دوستان اهل قلم و اندیشه که مرا در انجام این مهم مورد تشویق قرار داده‌اند سپاسگزاری نمایم، ضمناً ترجمان هیچ ادعایی در بی نقص بودن کار خود ندارد، بنابراین پیشنهادهای خوانندگان در مورد کتاب حاضر باعث شادی و تشویق هر چه بیشتر وی می شوند و با انجام این کار امیدوارم بتوانم به تدریج کلیه آثار و منابع تاریخی ارمنی را که به کار پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ایران می آیند ترجمه و در اختیار جامعه علم و ادب ایران زمین قرار دهم.

دکتر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک)

دی ماه ۱۳۸۰، تهران

edbagh@gmail.com

موسی خورنی^{۱۳}

موسی خورنی در میان تاریخ‌نگاران باستانی ارمنی چهره منحصر به فرد ادبی است. او چهارده سده تمام با «تاریخ ارمنیان» خود که به عنوان موضوع درسی و مطالعاتی مورد استفاده قرار گرفته باعث کنجکاوی و جلب توجه فزاینده مردم ارمنی و بررسی‌ها و پژوهش‌های ادبی گردیده است. این اثر بیش از ده سده تنها کتاب درسی مدرسه‌های ارمنی برای آشنایی با گذشته قوم ارمنی بوده است؛ نیز منبع و نمونه‌ای برای تاریخ‌نگاران در دوره‌های بعد و برای آنان که بخش‌هایی را گزیده و از آنها تأسی جسته از روش تاریخ‌نگاری آن پیروی کرده‌اند. ایشان با عالیترین تحسین‌ها از او یاد کرده القابی چون «نگارنده جهانی»، «پدر تاریخ»، «پدر نگارندگان» (به عنوان لقبی خاص و ویژه او) به او نسبت داده‌اند، نیز او را هردودت ارمنی نامیده‌اند و چنانکه گوتشمید می‌گوید: «اگرچه ارمنیان کمی مغرورند اما محق به چنین انتسابی برای او هستند، این اثر با قدمت خود پس از کتاب مقدس در ادبیات تاریخی مردمان شرق یکی از پیشگامان در نوع خود بشمار می‌رود».

از سده پانزدهم به بعد، به لطف پژوهش‌های اروپاییان، نقطه‌نظرها نسبت به این کتاب تاریخی و نویسنده‌اش به تدریج تغییر یافت. منابع تاریخ خورنی و سندیت و اعتبار آن را در آغاز به گونه‌ای ضعیف اما بعدها

۱۳. به ارمنی موسس خورناتسی Movses Khorenatsi از آنجا که در ادبیات فارسی این تاریخ‌نگار نامدار ارمنی به صورت «موسی خورنی» شهرت یافته است ما نیز این نام را می‌بریم. (ا. گ.).

با اطمینان و جسارت بیشتری مورد نقد و بررسی قرار دادند و شخصیت نگارنده را بهتر درک کردند، بدین معنی که آیا او واقعاً آن گونه که درباره خود می نویسد نگارنده سده پنجم است؟ و نیز شاگرد مسروپ و ساهاک^{۱۴}؟ آیا اثر او متعلق به سده پنجم میلادی است؟ یا مربوط به دوره های بعدی می باشد؟ این بررسی ها در سال های نود سده نوزدهم به نقطه اوج خود رسید. زمانی که پژوهشگران می کوشیدند دیدگاه های افشاگرانه و منفی خود را نسبت به نگارنده و اثرش بر دیگران مقدم و برتر جلوه دهند؛ گویی برای نامناسب ترین نقد و بررسی جایزه تعیین شده بود و منتقدان کوشش می کردند این جایزه را از دست یکدیگر بربایند. زمان نگارش تاریخ را به سده نهم رساندند و آن را به موسی خورنی کاذب منتسب نمودند و حتی آن را با نام «تاریخ موسی خورنی کاذب» (pseudo-moses) تعمیم دادند. نقدهای مفصل و مختصر متعدد به صورت های کتاب و مقاله در مطبوعات، برخی در حمایت و برخی نیز در مخالفت با خورنی نوشته شدند. نام های ویژه ای پدید آمدند چون موسی گریبان و موسی ستیزان. همه پژوهندگانی که درباره ادبیات ارمنی بررسی کرده اند کم و بیش با خورنی و تاریخش نیز سرو کار داشته اند. در اینجا مهمترین آنان را یادآور می شویم، از پژوهشگران اروپایی که در مورد خورنی و تاریخش مطلب نوشته اند باید: باومگاردنر^{۱۵}، گلنسر^{۱۶}، گوتشمید^{۱۷}، دولوریه^{۱۸}، لاکروز^{۱۹}، لانگوا^{۲۰}، کاریر^{۲۱}، کیبرت^{۲۲}، کنیبر^{۲۳}،

۱۴. مسروپ و ساهاک شخصیت های اصلی پیدایی نگارش و خط ارمنی هستند. مسروپ ماشتوتس (Mesrop-mashtots) بسال ۴۰۵ میلادی الفبای ارمنی را پدید آورد و از پشتیبانی جاثلیق ساهاک پارتو (sahak-partev) و ورام شاپوه (جانشین خسرو چهارم) پادشاه سلسله اشکانی ارمنستان برخوردار گردید. (ا.گ.)

15. Baumgartner.

۱۶. تاریخ نگار و پژوهشگر آلمانی (H. Gelzer (1874-1906).

۱۷. خاورشناس و ارمنی شناس آلمانی (H. A. Gutschmid (1813-1887).

۱۸. خاورشناس و ارمنی شناس فرانسوی (E. Dularurier (1807-1881).

۱۹. خاورشناس و ارمنی شناس فرانسوی (M. La Croze (1661-1739).

۲۰. خاورشناس و ارمنی شناس فرانسوی (V. Langlois (1829-1869).

۲۱. خاورشناس و ارمنی شناس فرانسوی (A. Carriere (1838-1902).

مککر^{۲۴}، مار^{۲۵}، مارکوارت^{۲۶}، نو^{۲۷}، نیکار^{۲۸}، پترمان^{۲۹}، پیشار^{۳۰}، سن
مارتین^{۳۱}، فتر^{۳۲}، فلوروال^{۳۳}، فرره^{۳۴} را نام برد. از نویسندگان ارمنی م.
آبغیان^{۳۵}، ن. آدونتس^{۳۶}، آلیشان^{۳۷}، آکینیان^{۳۸}، گارگاشیان^{۳۹}، گاترجیان^{۴۰}،
گورگیان (چوگوریان)^{۴۱}، داغباشیان^{۴۲}، زاریهانالیان^{۴۳}، امین^{۴۴}، ب.

22. Kibert.

۲۳. پژوهشگر، ادیب و ارمنی شناس انگلیسی F. Conybeare (1857-1924).

۲۴. ارمنی شناس فرانسوی F. Macler (1869-1938).

۲۵. خاورشناس و زبانشناس و ارمنی شناس شوروی N. Marr.

۲۶. خاورشناس، ارمنی شناس، پژوهشگر و زبانشناس جغرافی دان آلمانی.

J. Markwart (1894-1930)

۲۷. خاورشناس و ارمنی شناس بلژیکی Neve (1816-1893).

28. Nicar.

۲۹. زبانشناس، ارمنی شناس، سامی شناس آلمانی H. Petermann (1801-1876).

30. Pisshar.

۳۱. ارمنی شناس فرانسوی A. Saint Martin (1791-1832).

32. Feter.

33. Floreval.

34. Frere.

۳۵. زبان شناس، ادیب، فرهنگ نویس و پژوهشگر بزرگ ارمنی.

Manuk Avbegan (1865-1944)

۳۶. تاریخدان، بیزانس شناس و زبانشناس نامی ارمنی.

Nikoghayos Adonts (Ter-Avetikian) (1871-1942).

۳۷. شاعر، ادیب، تاریخدان، جغرافیدان و پژوهشگر بزرگ ارمنی.

Gevond-Alisan (Kervobe-Alisanian) (1883-1963).

۳۸. پژوهشگر، تاریخدان و کارشناس ارمنی نسخ خطی Nerses-Akinian (1883-1963).

۳۹. پایه گذار تاریخ تفسیری ارمنی، فیلسوف، منطق دان و زبان شناس ارمنی.

Anton (matatia) Garagashian (1818-1903).

۴۰. تاریخدان، مترجم و زبانشناس ارمنی Hovsep Gatortchian (1820-1882).

41. Geverkian (Tchughurian).

۴۲. تاریخدان و فرهنگ نویس ارمنی Harutyun Daqbasian (1886-1939).

۴۳. تاریخ نگار ادبیات، تاریخدان، متخصص نسخه های قدیم و مترجم ارمنی.

Garegin Zarbhanalian (1827-1901).

۴۴. پژوهشگر، تاریخدان، معلم و مترجم ارمنی.

Mokertich Emin (Karapetian) (1815-1890).

خالاتیانتس^{۴۵}، گ. خالاتیانتس^{۴۶}، کارینیان^{۴۷}، م. درموسسیان^{۴۸}، میابان (گ. در مگردچیان)^{۴۹}، نورایر^{۵۰}، چامچیان^{۵۱}، پاتکانیان^{۵۲}، بارونیان^{۵۳}، ب. سارگسیان^{۵۴}، تاشیان^{۵۵}، نگارنده سطور و دیگران را می توان نام برد. اخیراً به لطف کشفیات جدید، این حملات متوقف گشته، خورنی و تاریخ او بار دیگر موضع ارزشمند خود را در تاریخ نگاری قدیمی ارمنی بازیافته است.

اینکه چه انگیزه ای باعث چنین جلب توجه و گیرایی فوق العاده بوده است در این گفتار سعی خواهیم کرد آگاهی های مفصل تری با مراجعه به نوشته های تخصصی ارائه دهیم.

زندگی نامه موسی خورنی

آگاهی های کمی در مورد زندگی خورنی در دست داریم. بخش اعظم آنها را خود مؤلف به طور اتفاقی در تاریخ خود آورده است. گواهی مختصر ولی بسیار مهم غازاز پارپتسی^{۵۶} (غازاز پاربی) از معاصران و آشنایان او را نیز باید به آنها افزود. اطلاعاتی را که نگارندگان دوره های بعد به ما می دهند فاقد ارزش هستند، زیرا غیرمدلل و حتی ناقض یکدیگرند. با ارتباط اطلاعات جسته و گریخته یاد شده با یکدیگر می توان تقریباً نظری مختصر راجع به زندگی «پدر تاریخ» و آثارش به

۴۵. دانشمند و تاریخدان ارمنی (1860-1935) Bagrat Xalatiants.

۴۶. ارمنی شناس، تاریخدان پژوهشگر، معلم، چهره فرهنگی و استاد دانشگاه.

nts Grigor Khalatia (1858-1912)

۴۷. ادیب، تاریخدان، چهره سیاسی و حکومتی ارمنی (1886-) Artashes Karinian.
48. M. ter-Movsesian. 49. Miaban (Galust Ter-Mekertichian).

۵۰. ارمنی شناس و زبان شناس ارمنی (1844-1916) Norayr (Biuzandatsi).

۵۱. تاریخدان، دستوردان، زبان شناس، عالم الهیات و معلم ارمنی Mikael Chamchian (1738-1823).

۵۲. خاورشناس، کتاب شناس، پژوهشگر و تاریخدان ارمنی Kerovbe Patkanian (1833-1823).

53. Baronian.

54. B. Sargsian.

55. Tashian.

۵۶. Ghazar Parpetsi: تاریخ نگار ارمنی سده پنجم میلادی و نگارنده تاریخ ارمنیان.

دست داد.

نام خورناتسی^{۵۷} (خورنی نشان می‌دهد که وی باید در ناحیه‌ای به نام خورن یا خوریان^{۵۸} زاده شده باشد. روستا یا شهری بدین نام تا این اواخر شناخته نشده بود. او برخی اوقات تارونتسی^{۵۹} نیز نامیده شده است. در ولایت تارون^{۶۰} روستایی به نام خورنی^{۶۱} یا خورون^{۶۲} بوده است. ولی اگر موسی در اینجا زاده شده باشد باید خورنی^{۶۳} یا خورونی^{۶۴} تخلص می‌یافت. (چنانکه زمانی برخی از اعضای جامعه مخیتاریان^{۶۵} و نیز می‌نوشتند). این امر بیشتر محتمل است که او در روستای کوچکی به نام خوریا در ناحیه هاباند ایالت سیونیک^{۶۶} بدنیا آمده باشد و استپان اربلیان^{۶۷} در آخر سده سیزدهم در از آن یاد نموده است. (تاریخ، تفلیس، ص ۵۱۷). گونه خوریا یاد شده توسط اربلیان در سده پنجم به شیوه جامعتری به صورت خوریان تلفظ می‌شد. (ارولیان را با آرولیا^{۶۸}، آیزمیان را با آیزمیا^{۶۹} میچ یرکریان را با میچ یرکریا^{۷۰}، مامیکنیان را با مامیکنیا^{۷۱} و

57. Khorentatsi.

۵۸. Khoron یا Khorian.

۵۹. taronatsi به معنی تارونی، اهل تارون. (ا. گرمانیک).

۶۰. تارون (taron)، یکی از استان‌های پانزده گانه ارمنستان باستان. (ا. گرمانیک).

61. Khorni.

62. Khorni.

63. Khorni.

64. Khorni.

۶۵. Mekhitarian عضو جامعه فرهنگی و مذهبی کاتولیک ارمنی. این جامعه توسط مختیار سباستاتسی در هشتم سپتامبر ۱۷۰۱ در قسطنطنیه به منظور گسترش فعالیت‌های مذهبی، آموزشی، علمی و فرهنگی بنیان نهاده شد. در ابتدا «جامعه آتونیان» نام داشت. در ۱۷۰۶ به متون (meton) یونان که تابع جمهوری ونیز بود انتقال یافت و از ۱۷۱۷ در جزیره سن لازار (غازار مقدس) در نزدیکی ونیز استقرار یافت. یکی دیگر از مراکز مهم مختیاریان در وین پایتخت اطریش واقع است. اینان در فرهنگ ارمنی نقش بسیار مهمی ایفا نموده‌اند.

۶۶. siunik یکی دیگر از استان‌های پانزده گانه ارمنستان باستان. (ا. گرمانیک).

۶۷. stepan orbelian دانشمند، تاریخ‌نگار، چهره سیاسی و شاعر ارمنی. (ا. گرمانیک).

۶۸. arevelian به معنی خاوری.

۶۹. ayzhmia(n) به معنی کنونی.

۷۰. mij-yerkrian(n) به معنی بین نواحی.

۷۱. mamikonian(n) نام خانواده مشهور فتودالی ارمنی.

غیره مقایسه کنید). چند سند جنبی این باور و گمان را تقویت و تأکید می‌کنند. از جمله آشنایی کامل خورنی به سیونیک، مسیر جریان رود ارس، آبادی‌های سواحل رود ارس، ذکر پرتحسین از سیساک، هبر سیونیک، عدم تمایل او نسبت به مامیکیان که در نیمه دوم سده پنجم دشمنان سیونیک بودند و جز اینها. (برای جزئیات پیوست چهارم کتاب «پیرامون معماری خورنی» نوشته مالخاسیان نگاه کنید).

سال تولد او نیز به روشنی معلوم نیست. پژوهشگران از سن مارتین تا امین و استپانه^{۷۲} بر پایه وقایع‌نامه سامول آنتسی^{۷۳} چنین فکر می‌کنند که او باید در سال ۳۷۰ میلادی زاده شده به سال ۴۹۰ در سن ۱۲۰ سالگی بدروید حیات گفته باشد. این ۱۲۰ سال سن او بسیار غیرمحمول و به‌ویژه زاده شدن او در سال ۳۷۰ غیرقابل قبول است، این امر با رهنمود پدر تاریخ مغایرت دارد. او می‌نویسد که پس از شورای افسس^{۷۴} بنابراین در اثنای سال‌های ۴۳۲-۴۳۷، ساهاک و مسروپ او را برای کسب تحصیلات عالی با دیگر دوستانش به اسکندریه فرستادند. ولی شخصی که در سال ۳۷۰ متولد شده باشد در آن زمان باید پیرمردی ۶۲-۶۶ ساله بوده باشد. در چنین سنی و با ریش سفید به دنبال تحصیلات عالی نمی‌روند.

با یک سو نهادن این افسانه که به نظر می‌رسد سرچشمه آن یک سخن^{۷۵} توما آرزرونی^{۷۶} باشد، ما سال تولد احتمالی او را در همان گواهی‌های خورنی می‌یابیم. برای انجام چنین سفر دور و سخت و اداره امور خود در دیار غربت باید تا حدی بالغ و مجرب، با حافظه و هوشی سرشار، دارای فکری نرم و پذیرا و عشق شدید به تحصیل می‌بود. چنین

72. Khoren stepane.

۷۳. samvel anetsi یا سامول آنی (اهل شهر آنی).

۷۴. شورای افسس (ephesus) در سال ۴۳۱ میلادی برای حل مسائل مذهبی مسیحیت تشکیل گردید. (ا. گرمانیک).

۷۵. طول عمر او به صدوبیست و به منتهای پیری رسید. و غیره. (ا. گرمانیک).

۷۶. tovma ardes'tuni تاریخ‌نگار و چهره فرهنگی ارمنی در نیمه دوم سده نهم و اوایل نیمه نخست سده دهم میلادی. صاحب «تاریخ خاندان آرزرونی». (ا. گرمانیک).

سنی را ما سن ۲۲-۲۳ سالگی می‌دانیم، لذا زمانی که خورنی عازم سفر می‌شد یعنی سال ۴۳۲-۴۳۴، باید ۲۲-۲۳ ساله بوده و لذا باید در حدود سال ۴۱۰ یا یکی دو سال پس و پیش تولد یافته باشد. این سال از یک گواهی او نیز به خوبی آشکار می‌گردد که در هنگام نوشتن تاریخش در سال‌های دهه ۴۸۰ او «پیرمردی بیمار و مشغول ترجمه» بوده است.

بدین‌سان با فرض تاریخ تولد خورنی در حدود سال ۴۱۰ نتیجه می‌گیریم که تحصیلات ابتدایی را در سال‌های کودکی در همان سیونیک در مدرسه تأسیس شده توسط مسروپ قدیس کسب نموده است، چنانکه خود کوریون به این امر شهادت و گواهی داد. در هنگام تحصیل علوم ابتدایی در اینجا که شامل قرائت سلیس و آوازخوانی بود، با ارائه استعداد شگرف خود، وی در سنین ۱۵-۱۶ سالگی یعنی در حدود سال ۴۲۷ به واغار شاپاد^{۷۷} به مدرسه مرکزی ارمنیان در آن دوران فرستاده می‌شود، جایی که خود مسروپ قدیس تدریس می‌کرد. وی در اینجا نیز ۵-۶ سال تحصیل می‌کند و غیر از زبان ارمنی، زبان‌های یونانی و آشوری را نیز فرا می‌گیرد (بدون آشنایی به این زبان‌ها، او نمی‌توانست از طریق شام سفر نموده در اسکندریه زندگی کند). او زبان پهلوی (فارسی دوران ساسانی) را نیز اگر نه بگونه نوشتاری اما به طور عملی می‌دانست. این امر از تعبیرات مستقیم برخی لغات پهلوی معلوم می‌شود که در تاریخ او با آنها روبرو می‌شویم.

پس از شورای افسس (۴۳۱) زمانی که ساهاک و مسروپ کتاب مقدس را مطابق متن یونانی تصحیح می‌کردند (و یا برای دومین بار از یونانی ترجمه می‌کردند) به یونانی‌دانان زبردست و دانشمندان ماهر در فن نگارش احتیاج پیدا کردند، لذا تصمیم گرفتند چند تن از با استعدادترین شاگردانشان را به اسکندریه، مرکز علوم آن عصر بفرستند جایی که شرق و غرب با هم تماس یافته مرتبط می‌شدند. موسی با جمع

۷۷. vagharshapat این شهر در محل کنونی شهر اچمیاد زین مقر جاثلیق کل ارمنیان جهان قرار داشت. در زمان باستان وارتگساوان (vartgesavan) نامیده می‌شد. در زمان واغارش (بلاش) اول پادشاه اشکانی ارمنستان (۱۴۰-۱۱۷ م.) بازسازی شده تبدیل به پایتخت کشور گردید.

این برگزیدگان تعلق داشت و نخستین آنان بود که در آن زمان ۲۲ سال سن داشت و مسافرت خود را با شگفتی و امیدهایی سرشار توصیف می‌کند و آموزگارانش را به خورشید اما خودشان را به سیارات کسب‌کننده نور از آن تشبیه می‌کند. تاریخ این مسافرت را پس از سال ۴۳۲ و قبل از ۴۳۵ می‌دانیم.

اینکه او در اسکندریه چه چیزی می‌آموخت ما به طور مطمئن نمی‌دانیم، او معلمش را افلاطون جدید می‌نامید بدون اینکه اسمش را یاد کند، لذا احتمال دارد که او حکیم و دانشمند بوده باشد تا عالم الهی. با در نظر گرفتن انگیزه اصلی مراجعت باید اضافه کنیم که موضوعات اصلی تحصیلی او را زبان یونانی و فن نگارش یعنی نظریه زبان و سخن، دستور و فن بیان تشکیل می‌داد. دوم آنکه او تفسیر کتاب مقدس، تاریخ و اساطیر یونان نیز تحصیل می‌کرد. کتابخانه مشهور اسکندریه این موقعیت را برای جوانان دانش دوست ارمنی فراهم می‌نمود تا آثار شعرا، فیلسوفان، تاریخ‌نگاران و سایر دانشمندان یونانی را مطالعه کنند و خورنی بعدها غالباً از آنها در نگارش تاریخ خود استفاده نمود.

این امر معلوم نیست که دانشجویان ارمنی چه مدت در اسکندریه و در عزیمت بسر برده‌اند، در هر صورت این مدت کمتر از ۶-۵ سال نیست. آنان در سال ۴۳۹ زمانی که دو روشنگر ارمنستان و معلمانشان دیگر در قید حیات نبودند به میهن بازگشتند. این واقعه دردناک برای ایشان قابل انتظار نبود. خورنی به گونه‌ای غم و اندوه خود را بیان می‌کند: زمانی آنان منتظر بازگشت ما بودند تا از علوم همه جانبه و آمادگی کامل من سود ببرند و ما نیز شتابان از بیزانس باز می‌گشتیم با این امید که در عورسی و جشن برقصیم... و آوازه‌های خوش بخوانیم، اکنون من به جای این شادمان بر روی آرامگاه مرثیه می‌خوانم و آه و ناله سر می‌دهم، حتی هنگام بسته شدن چشمانشان هم نتوانستم برسم تا آخرین صدا و نوا و دعای خیرشان را بشنوم» (سوگنامه).

ولی شاید دردناک‌تر از درگذشت این دو تن، پذیرایی و استقبال سرد و گویا خصمانه‌ای بود که آنان در میهن پرحسرت خود با آن روبرو شدند. ایشان با باری پر از ذخیره علوم و با آرزوی خدمت به میهن می‌آیند و

با احترامی و تعقیب و آزار روبرو می شدند. به آنان فرصت و زمینه فعالیت داده نشد، دانش آنان تمسخر گردید. همه جا ایشان مورد تعقیب و آزار قرار گرفته و به زندگی مملو از محرومیت ها و تهدیدستی محکوم شدند. در این باب، خورنی و غازار پاریتسی به یک گونه و با تکمیل آگاهی یکدیگر گواهی می دهند. خورنی می نویسد: «اکنون که آنان با قدیسان خدا چنین رفتاری در پیش گرفتند...» (سخن برای نیشتر زدن به پادشاه تیرداد است) - در مورد زحمات و آزاری که از جانب شما به ما رسیده، ما که به تنگناها و فقر عادت داریم، دیگر چه می توانیم به خداوند بگوئیم... چه کسی زمان بازگشت ما بر ایمان خانه و اقامتگاه و آسایش تدارک دید؟ سایر مطالب را چشم پوشی می کنم، زیرا شما از زبان شیطانی و جهل و نادانی شان با غرور پوچ و زیانباری شدید آنان جلوگیری نکردید، بلکه با رفتار دانش ستیز خود لاشعوری آنان را تشویق می کردید حتی بیشتر از تنور بابل... دل کدام شخص متفکر بدرد نمی آید. از دست کسانی که مشوق آنها هستند بگذارید کسی نرنجد» (کتاب دوم - باب ۹۲). در مرثیه می گوید: «چه کسی پس از این باید ما را مورد احترام قرار دهد؟ چه کسی باید از پیشرفت شاگردانش شادمان گردد؟... چه کسی باید حسادت و گستاخی دشمنان تعالیم سالم و درست را مانع گردد؟... کسانی که تمسخر و بی احترامی به ما را همانند محرومان هنرهای شایسته و موثق، سرمشق شیطانی برای افراد می سازند». غازار پاریتسی در صحیفه خود درباره موسی فیلسوف که به طور کلی موسی خورنی محسوب می شود می نویسد: «موسی فیلسوف خوش سعادت آنگاه که زنده بود، همچون فرشتگان می زیست، زیرا آن گروه ربانی ارمنی او را جای - جای مورد تعقیب قرار می داد و آن روشنگر و کتاب ها را با جهالت مورد تعقیب قرار می گرفتند و با لاشعوری خود پاتاگیس^{۷۸} می نامیدند و پس از اینکه با بسیاری چیزها دیگر او را غمگین ساختند و با خجالت از دیگران، مقام دروغین اسقفی را به عنوان زهر مرگبار به او دادند، صدای قدیس را خاموش نمودند».

۷۸. از ریشه سامی به معنی «تحریف شده» و «کاذب». (ا. گرمانیک).